

تحلیل نقش تحریم‌های ثانویه در رویکرد اتحادیه اروپا به برجام (۲۰۲۱-۲۰۱۵)

فرشته بهرامی پور^{۱*}

آزاده الفتی^۲

نجوا حاضری^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۶/۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۳

چکیده

از سال ۲۰۱۲ تحریم‌های ثانویه علیه ایران از سوی آمریکا شدت گرفت تا برنامه هسته‌ای ایران متوقف شود و تا شکل‌گیری برجام ادامه داشت. پس از توافق برجام اکثر تحریم‌های ثانویه به حالت تعلیق درآمد و بسیاری از شرکت‌های خارجی وارد ایران شدند اما با روی کار آمدن ترامپ و خروج یکجانبه از برجام در سال ۲۰۱۸ نه تنها شاهد بازگشت تحریم‌های ثانویه قبل از برجام هستیم بلکه با تشدید آن نیز مواجهیم. اتحادیه اروپا علی‌رغم مخالفت با رویکرد ایالات متحده، پس از خروج آمریکا از برجام شرکت‌های خود را از ایران فراخواند. سؤالی که در پژوهش حاضر مطرح شده این است که: تحریم‌های ثانویه ایالات متحده چه نقشی در رویکرد اتحادیه اروپا به برجام داشته است؟ در پاسخ به این سؤال در چارچوب تحریم‌های ثانویه و با روش توصیفی-تحلیلی، این فرضیه به سنجش گذاشته شد که: ایالات متحده از طریق اعمال تحریم‌های ثانویه علیه شرکت‌ها، بانک‌ها و به‌طور کلی بخش خصوصی اروپا، مانع از رویکرد مستقل اتحادیه اروپا در مقابل برجام شده است. نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که به دلیل ساختار تحریم‌های ثانویه، اتحادیه اروپا نمی‌تواند در مسائل مهم بین‌المللی از جمله برجام، مستقل از ایالات متحده عمل کند و اگر رفتاری مغایر با سیاست‌های کلی آمریکا در قبال ایران در پیش گیرد ایالات متحده از طریق تحریم‌های ثانویه، بخش خصوصی اتحادیه اروپا را تحت فشار قرار خواهد داد. روش مورد استفاده در این مقاله توصیفی-تحلیلی بوده و از ابزار کتابخانه‌ای، اسنادی و منابع اینترنتی برای گردآوری داده‌ها استفاده شده است.

واژگان کلیدی: اتحادیه اروپا، ایالات متحده، ایران، برجام، تحریم‌های ثانویه.

۱. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران
* نویسنده مسئول: bahramipoor1373@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، دانشکده علوم اجتماعی و تربیتی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

۳. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا به دلیل نفوذ سیاسی و اقتصادی در مسائل جهانی دو بازیگر مهم و تأثیرگذار در عرصه جهانی هستند که نقش آن‌ها در ترتیبات و معادلات جهانی بسیار بالاست؛ بنابراین، شناخت جریان‌ات و فرآیندهای حاکم بر روابط بین‌الملل در سطح سیاسی، اقتصادی و امنیتی، بدون توجه به تأثیر این دو بازیگر امکان‌پذیر نیست. از جنگ جهانی دوم به بعد، آمریکا به دلیل ضعف ناشی از اروپای پس از جنگ و خطر شوروی، دارای نفوذ بسیاری در اروپا شد اما پس از فروپاشی شوروی و با به وجود آمدن اتحادیه اروپا، این اتحادیه برای نقش‌آفرینی بیشتر در موضوعات جهانی و استقلال بیشتر سندهای متفاوتی را بین اعضای خود به امضا رسانده است که البته تحقق این هدف بستگی زیادی به اراده سیاسی اعضا خواهد داشت. علاوه بر اراده سیاسی اعضا که از نظر داخلی مطرح است، از نگاه خارجی، تأثیرگذاری قدرت‌های جهانی از جمله ایالات متحده بسیار مؤثر است؛ برنامه هسته‌ای ایران یکی از مواردی است که طی سال‌های متمادی در صدر مسائل امنیتی غرب قرار داشته است و چه قبل از توافق هسته‌ای ایران و ۵+۱ و چه بعد از آن همواره در روابط اتحادیه اروپا و ایالات متحده آمریکا، تأثیر داشته است. این دو بازیگر در این زمینه دارای اختلاف و همسویی‌هایی بوده‌اند، اما آنچه در آن اشتراک نظر داشتند، توقف برنامه هسته‌ای ایران بود. ایالات متحده مدت طولانی است که از تحریم‌ها برای پیشبرد اهداف سیاست خارجی خود استفاده می‌کند و این امر در دوره اوباما و ترامپ به‌ویژه علیه ایران شدت گرفت. در واقع با توجه به جهان جهانی شده و درهم تنیدگی اقتصاد و سیاست بین‌الملل بازیگران گوناگون دولتی و غیردولتی تحت تأثیر «جنگ تحریم‌ها» قرار می‌گیرند. ادغام آن‌ها در بازار جهانی امکان اتخاذ رویکرد مستقل در همه مسائل را تا حدودی از آن‌ها گرفته و تابع سیاست‌ها و مکانیسم‌های تعریف‌شده این سیستم هستند. اتحادیه اروپا و شرکت‌ها و بانک‌های آن از جمله بازیگران فعال بازار جهانی هستند که علی‌رغم تمایل به اتخاذ سیاست‌های اقتصادی مستقل در سطح جهانی و نیز در قبال ایران، به دلیل تحریم‌های ثانویه تحت تأثیر سیاست‌های ایالات متحده نسبت به ایران قرار گرفتند. این پژوهش به دنبال پاسخ به این سؤال است که: تحریم‌های ثانویه ایالات متحده چه نقشی

در رویکرد اتحادیه اروپا به برجام داشته است؟ در پاسخ به این سؤال در چارچوب تحریم‌های ثانویه و با روش توصیفی-تحلیلی، این فرضیه به سنجش گذاشته شد که: ایالات متحده از طریق اعمال تحریم‌های ثانویه علیه شرکت‌ها، بانک‌ها و به‌طور کلی بخش خصوصی اروپا، مانع از رویکرد مستقل اتحادیه اروپا در مقابل برجام شده است. روش مورد استفاده در این مقاله توصیفی-تحلیلی بوده و از ابزار کتابخانه‌ای، اسنادی و منابع اینترنتی برای گردآوری داده‌ها استفاده شده است. ضرورت پژوهش حاضر از آن جهت می‌باشد که نیاز است دستگاه سیاست خارجی ایران بر اساس واقعیات موجود به سیاست‌گذاری و مذاکره بپردازد و انتظارات متقابل خود از اتحادیه اروپا را بر مبنای آنچه در سیستم بین‌الملل وجود دارد تعریف نماید. البته باید ذکر کرد همسویی اتحادیه اروپا با ایالات متحده اولاً در موضوعات اساسی و مهم بین‌المللی از جمله مسئله هسته‌ای ایران است و نه همه موضوعات و مسائل و دوماً، ابهام و فقدان افق روشن در روند مذاکرات ۵+۱ و ایران، مانع جدیت اتحادیه اروپا در مذاکرات می‌شود. این پژوهش به‌طور مشخص تأثیر تحریم‌های ثانویه بر رویکرد اتحادیه اروپا را در بازه زمانی ۲۰۲۱-۲۰۱۵ مورد بررسی قرار می‌دهد و نوآوری آن از این جهت است که با ارائه آمار، ارقام و تحلیل‌های موجود، تأثیرپذیری اتحادیه اروپا را از تحریم‌های ثانویه بررسی می‌کند.

۱. رهیافت تحلیلی: تحریم‌های ثانویه

در نگاه سنتی، تحریم‌ها به‌منظور کاهش منابع در دسترس دولت هدف و در نتیجه آن، کاهش دارایی عمومی و ایجاد حس محرومیت در جامعه هدف اعمال می‌شدند و عقیده بر این بود که «اگر مردم به اندازه کافی رنج ببرند، به دولت خود فشار خواهند آورد تا با تغییر رفتار موجب برچیده شدن تحریم‌ها شود.» در نتیجه تحریم مجموعه اقداماتی است که از جانب دیگر دولت یا دولت‌ها به منظور فشار بر دولت دیگر اعمال می‌شود از جمله این اقدامات می‌توان به تحریم‌های مربوط به سلاح، تحریم‌های تجاری، توقیف (بلوکه) کردن اموال و دارایی‌ها و محدودیت‌هایی بر عبور و مرور از کشوری به کشور دیگر اشاره کرد که همه به‌منظور مجازات دولت هدف، ایجاد نفوذ، منزوی کردن و ایجاد محدودیت بر ملل معارض و مخالف انجام می‌گیرند (Piri and Sohrabi, 2019: 1547). ساختار تحریم‌های آمریکا به دو دسته تقسیم می‌شود:

۱. تحریم‌های اولیه: تحریم‌های اولیه مانند بلوکه دارایی و تحریم‌های تجاری، شهروندان و شرکت‌ها از سوی کشور تحریم‌کننده که انجام برخی فعالیت‌ها با همتایان خود از کشور تحریم شده را ممنوع می‌کند، مانند تحریم اشخاص، بانک‌ها و شرکت‌ها در ایران (Moehr, 2018: 2). در تحریم‌های اولیه، کشور تحریم‌کننده، شرکت‌ها و اشخاص را از انجام معامله با شرکای خود در کشور تحریم شده، باز می‌دارد. شمول این تحریم‌ها شهروندان آمریکا، کالاهای با مبدأ آمریکا، انجام معامله در خاک آمریکا و یا سرزمین‌های واقع در دایره تسری قوانین آمریکا را در بر می‌گیرد (World Economic Forum, 2018: 3).
۲. تحریم‌های ثانویه: تحریم‌های ثانویه که در طیف تحریم‌های فراسرزمینی قرار می‌گیرد به شخص ثالث فشار می‌آورد؛ در واقع با تهدید به قطع دسترسی شخص ثالث به کشور تحریم‌کننده، آن‌ها را مجبور می‌کنند فعالیت‌های خود را با کشور تحریم شده متوقف کنند (Moehr, 2018: 4). ایالات متحده و چین به‌طور فزاینده‌ای به دنبال گسترش دامنه قوانین داخلی خود در خارج از کشور هستند و شرکت‌ها و مردم خارجی را مجبور می‌کنند تا به خواست واشنگتن یا پکن عمل کنند. تأثیر چنین تحریم‌های فراسرزمینی ناشی از ملاحظات سیاسی است، اگرچه غیرمستقیم، چالش‌های جدی برای اتحادیه اروپا ایجاد می‌کند. همان‌طور که گیدئون راجمن^۱ در مقاله خود در فایننشال تایمز خاطرنشان کرد: «ظهور تحریم فراسرزمینی آخرین نشانه زوال نظم بین‌المللی مبتنی بر قوانین است که تحت آن قدرت‌های بزرگ حداقل تظاهر می‌کردند که با قوانینی مشابه با دیگران بازی می‌کنند». در واقع، زمانی که تحریم‌ها توسط نهادی مانند شورای امنیت سازمان ملل یا شورای اتحادیه اروپا برای وادار کردن نهادهای هدف به توقف اقدامات نادرست بین‌المللی خود، اعمال یا مجاز می‌شوند، در این صورت معمولاً مسائل مربوط به صلاحیت فراسرزمینی مطرح نمی‌شود؛ اما این ادعاها به‌طور فزاینده‌ای در زمینه مسائل اقتصادی مطرح شده است که به‌موجب آن برخی از دولت‌ها، به‌ویژه ایالات متحده، به

^۱. Gideon Rachman

دنبال اعمال قوانین خود در خارج از قلمرو خود به‌گونه‌ای هستند که ممکن است منجر به درگیری با سایر دولت‌ها یا سازمان‌های بین‌المللی شود. این اقدامات به‌عنوان «تحریم‌های ثانویه» نامیده می‌شوند و در مقابل «تحریم‌های اولیه» که اهدافی را در حوزه قضایی کشور فرستنده دارند قرار می‌گیرد. ایالات متحده و شاید چین، این قدرت را دارند که قوانین خود را در سراسر جهان اجرا کنند و این امر گزینه‌ای برای قدرت‌های متوسط نیست (Stoll and et al., 2020: 18). بنا به گفته جک لو، وزیر خزانه‌داری وقت آمریکا در سال ۲۰۱۶، تحریم‌های ثانویه عموماً علیه اشخاص دیگر کشورها هدف‌گذاری و متضمن تهدید اشخاص و شرکت‌های خارجی به قطع ارتباط آنان با سیستم مالی آمریکا در صورت انجام تماس با نهادهای تحریم شده، می‌باشد، حتی اگر فعالیت‌های آنان به‌طور مستقیم ایالات متحده را تحت تأثیر قرار ندهد. اصطلاح «تحریم‌های ثانویه» خود گیج‌کننده است. روش‌های مختلفی وجود دارد که یک کشور تحریم‌کننده می‌تواند بعد از اعمال تحریم تلاش کند تا آثار تحریم را افزایش دهد، از جمله تصویب تحریم‌های ثانویه. کشور تحریم‌کننده می‌تواند شرکت‌ها و اشخاص دیگر کشورها را از انجام معاملات تجاری با شهروندان و مشاغل آمریکایی منع کند و روابط اقتصادی خود را با کشوری که هدف آن مجازات‌های اقتصادی «اولیه» است، مهار کند. ضررهای اقتصادی ناشی از تحریم‌های ثانویه به‌اندازه‌ای بزرگ هستند که می‌توانند سیاست یک کشور را تغییر دهند. ثابت شده است که تحریم‌های اقتصادی یک ابزار مهم سیاست خارجی برای دولت دونالد ترامپ بوده است. در کمتر از یک سال، این کشور در پاسخ به اختلافات با کره شمالی، روسیه، کوبا، ایران و ونزوئلا، تحریم‌های اقتصادی موجود را گسترش داده است (World Economic Forum, 2018: 6). تحریم‌های ثانویه فشار بر بازیگر تعیین شده را افزایش می‌دهد و تأثیر اقدامات یک‌جانبه ایالات متحده در مقیاس منطقه‌ای و جهانی را بیشتر می‌کند. درحالی‌که ایالات متحده یا هر کشور مستقل برای آن موضوع، حق دارد سیاست‌های داخلی و خارجی خود را تنظیم و به اجرا بگذارد،

از جمله از طریق محرومیت برخی از بازیگران از سیستم مالی خود. باز خورد چنین سیاست‌هایی بسیار فراتر از مرزهای آن است؛ می‌تواند دشمنان و متحدان آن‌ها را تحت تأثیر قرار دهد. برخی در حوزه تحریم‌ها افرادی هستند که ادعا می‌کنند مجازات‌های ثانویه صرفاً یک شکل متناوب از اجرای مجازات‌های اوفک هستند. حمایت از تحریم‌های ثانویه، حتی اگر به عنوان تهدید مورد استفاده قرار گیرد، اغلب واکنش‌های متحدین است. ایالات متحده برای مجازات کسانی که پشتیبانی مادی از قبیل پشتیبانی مالی یا فناوری را برای بازیگران بد رواج می‌دهند، از تحریم ثانویه استفاده می‌کند. توانایی اوفک در اعمال تحریم برای چنین رفتارهایی توسط رئیس‌جمهور به وزارت خزانه‌داری و سپس به اوفک واگذار می‌شود. در حالی که تحریم‌های هدفمند یا اولیه برای منزوی کردن یک بازیگر منفرد در نظر گرفته شده است، تحریم‌های ثانویه برای تسهیل جداسازی گسترده‌تر بازار یا کشور ثالث در نظر گرفته شده است. اعلامیه دونالد ترامپ، در ماه مه سال ۲۰۱۸ مبنی بر خروج ایالات متحده از توافق هسته‌ای ایران، در نوامبر ۲۰۱۸ دوباره تحریم‌هایی را اعمال کرد که بخش‌های خاصی از اقتصاد ایران مانند بانکداری و مالی را هدف قرار داد؛ از جمله تولید و فروش نفت و حمل و نقل (Sultoon and Walker, 2019: 4).

شکل (۱): عملکرد تحریم‌های ثانویه



منبع: (Moehr, 2018: 8)

آمریکا برای استفاده از تحریم‌ها می‌تواند چند انگیزه داشته باشد:

۱. راهی برای اعلام نارضایتی از رفتار یا عمل خاص یک دولت، گروه، فرد و یا شرکت؛
۲. عدم تمایل آمریکا به استفاده از زور نظامی به‌ویژه در مواردی که منافع آمریکا به‌اندازه کافی برای توجیه تلفات و هزینه‌های مالی، زیاد مهم تلقی نمی‌شود؛
۳. قدرت کنگره در اعمال تحریم‌های اقتصادی افزایش یابد (Council on Foreign Relations, 2020: 11). جریمه‌های نقض تحریم می‌تواند قابل توجه باشد. در بسیاری از موارد، مجازات‌های مدنی و کیفری می‌تواند از چندین میلیون دلار فراتر رود. مجازات‌های مدنی با توجه به برنامه مجازات متفاوت است و قانون تعدیل تورم مجازات‌های مدنی فدرال سال ۱۹۹۰ که با اصلاح قانون اصلاح قانون تعدیل تورم مجازات مدنی در سال ۲۰۱۵ اصلاح شده است، از اوفک^۱ (دفتر کنترل دارایی‌های خارجی) می‌خواهد سالانه مبالغ مجازات پولی را تنظیم کند. اوفک هرکسی را که ممکن است مقررات را نقض کرده باشد تشویق می‌کند تا تخلف آشکار را به‌طور داوطلبانه اعلام کند و تخفیف بگیرد و منجر به کاهش مقدار پایه هر مجازات مدنی پیشنهادی خواهد شد (U.S. Department of the Treasury, 2021: 9). در واقع اوفک دو سازوکار برای تشخیص نقض تحریم‌ها دارد: اول، کشف نقض تحریم از طریق تحقیقاتی که صورت می‌گیرد؛ دوم، اعلام داوطلبانه ناقضان تحریم، برای تخفیف مجازات. البته گاهی این فرآیند سال‌ها طول می‌کشد (Early and Preble, 2018: 15-16). تحریم‌های اولیه و ثانویه را می‌توان به‌عنوان بخشی از سیاست محدودسازی ایالات متحده آمریکا علیه ایران دانست (Banihashemi and et al., 2022: 284). در جریان برجام نیز هرچند در زمان انعقاد آن، اتحادیه اروپا و آمریکا یک رویکرد مشترک داشتند؛ اما با روی کار آمدن ترامپ و خروج از برجام، اتحادیه اروپا سعی کرد سایر طرفین را ملزم به رعایت بندهای ذکر شده در برجام کند اما بازگشت تحریم‌های اولیه و ثانویه از

^۱. OFAC(The Office of Foreign Assets Control)

سوی آمریکا، اتحادیه اروپا را ناچار به اتخاذ رویکردی منفعلانه و همسو با ایالات متحده کرد.

۲. مذاکرات ایران و غرب در زمینه فعالیت هسته ای ایران

فعالیت‌های هسته‌ای ایران از ۱۹۵۷ با همکاری آمریکا، به‌عنوان بخشی از برنامه «اتم برای صلح» آیزنهاور^۱ رئیس‌جمهور ایالات متحده آغاز شد اما با وقوع انقلاب ۱۹۷۹ این برنامه متوقف شد. پس از پایان جنگ تحمیلی، دولت سازندگی، تلاش ناموفقی را در جهت راه‌اندازی مجدد پروژه‌های هسته‌ای دنبال کرد. در دوران اصلاحات، به دنبال گزارش تیموتی گاردن^۲ در سال ۲۰۰۰ مبنی بر هسته‌ای بودن ایران، همچنین افشاگری گروه موسوم به منافقین در ۱۹ اوت سال ۲۰۰۲، موضوع هسته‌ای وارد مرحله جدیدی شد. دولت هشتم، تلاش نمود تا ضمن کسب حمایت اروپا به‌عنوان یک وزنه تعادلی در برابر جاه‌طلبی‌ها و یک‌جانبه‌گرایی‌های ایالات متحده، از ارجاع پرونده هسته‌ای ایران از شورای حکام به شورای امنیت جلوگیری نماید و راه‌حلی دیپلماتیک را برای رسیدن به یک توافق جامع هسته‌ای جستجو کند. وزرای خارجه آلمان، فرانسه و انگلیس ابتکار عمل را به دست گرفتند و برای ترغیب همتای ایرانی خود برای همکاری بیشتر با آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای به تهران سفر کردند. پرونده هسته‌ای ایران به دلیلی برای مذاکره جمهوری اسلامی با اتحادیه اروپا تبدیل شد. توافقنامه مشهور پاریس در نوامبر ۲۰۰۴ به‌طور داوطلبانه توسط ایران پذیرفته شد که در آن به توافق تعلیق غنی‌سازی اورانیوم رسیده بودند. این توافق تقریباً دو سال به طول انجامید و به‌عنوان یک اقدام مبتنی بر حسن نیت و اعتمادساز شناخته شد. در سال ۲۰۰۶ مذاکرات اتحادیه اروپا و ایران به بن‌بست رسید و به‌تبع آن اروپایی‌ها پرونده هسته‌ای ایران را به شورای امنیت سازمان ملل ارجاع دادند (Posch, 2009: 1-3). نتیجه این شد که جمهوری اسلامی، اقدام به ابطال موافقت‌نامه پاریس و آغاز فعالیت «UCF^۳» (تأسیسات تبدیل اورانیوم) اصفهان کرد. بعدازاین بود که سیر ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت از سوی غربی‌ها و شروع یک مرحله جدید و پرتنش هم‌زمان با آغاز دوران

^۱. Dwight D. Eisenhower

^۲. Timothy Garden

^۳. Conversion Facility Uranium

ریاست جمهوری احمدی‌نژاد آغاز شد. در همین زمان بود که موضوع هسته‌ای ایران به شورای امنیت ارجاع شد. از این زمان به بعد چندین قطعنامه در شورای امنیت علیه ایران صادر شد؛ اما هم‌زمان مذاکرات متعددی نیز برای حل بحران هسته‌ای صورت گرفت که هیچ‌کدام نتیجه‌ای نداشت. در نهایت، باروی کار آمدن دولت یازدهم، در مذاکراتی فشرده به مدت دو سال، توافق هسته‌ای با عنوان برجام به حصول، امضا و به اجرا رسید (Misai and et al., 2016: 134-135). برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) یکی از اتفاقات حقوقی و بین‌المللی مهم قرن بیست‌ویکم در حوزه علوم و فناوری هسته‌ای محسوب می‌شود. این توافق بین‌المللی که نتیجه بیست‌ودو ماه مذاکرات رسمی و فشرده بود، در ۲۳ تیر ۱۳۹۴ (۱۴ جولای ۲۰۱۵) بین ایران، اتحادیه اروپا و گروه ۵+۱ در شهر وین منعقد و در ۲۶ دی ۱۳۹۴ (۱۶ ژانویه ۲۰۱۶) اجرایی شد (Rezaei Pish, 2015: 84).

این سند توافقنامه‌ای است که موضوع آن شناسایی برنامه هسته‌ای ج.ا.ا. از سوی جامعه بین‌الملل در قبال برخی تحدیدها و تعلیق‌های موقت و زمان‌دار این برنامه از سوی ایران است و البته، بدیهی است که در قبال این شناسایی، می‌بایست تحریم‌هایی که در قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد در خصوص برنامه هسته‌ای وضع شده بودند نیز ملغی می‌شدند (Bamri, 2017: 44-45). در چارچوب برجام، ایران متعهد شد که: ذخایر اورانیوم کم غنی‌شده آن را ۹۸ درصد کاهش دهد، بیش از دوسوم سانتریفیوژهای خود را در انبار قرار دهد، رآکتور آب‌سنگین اراک را به‌روز کند، غنی‌سازی اورانیوم را در تأسیسات فردو به مدت ۱۵ سال متوقف کند و موافقت خود را با نظارت چندلایه بر کل زیرساخت‌های هسته‌ای توسط آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای اعلام کند (Osiewicz, 2018: 157).

شرکت‌کنندگان در برجام به این نتیجه قطعی رسیدند که ایران به‌طور کامل تعهدات مربوط به فعالیت هسته‌ای خود را پیاده‌سازی کرده، همان‌طور که در دوازده گزارش متوالی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی این امر تأیید شده است (European Union External Action, 2018: 5). این روند همکاری ادامه داشت تا اینکه در سال ۲۰۱۸ آمریکا به‌طور یک‌جانبه از برجام شد و به بازگرداندن تحریم‌های اولیه و ثانویه علیه



ایران اقدام کرد. خارج شدن آمریکا از برجام، پشت پا زدن به اصل محترم شمردن «تعهدات قراردادی» و اصل «پرهیز از به کار بردن تهدید یا زور در روابط با سایر کشورها» ست. توضیح بیشتر آن که احترام به برجام که یک تعهد بین المللی و چند جانبه است، تنها مختص ایران نیست و سایر طرف‌های قرارداد هم باید بدان عمل می‌کردند. دولت آمریکا بدون هیچ‌گونه توجیهی و در حالی که سایر طرف‌ها به برجام وفادار بوده‌اند، از برجام خارج شده است. این مسئله با اصل برابری کشورها از نظر حقوق و تکالیف در تعارض است. از طرف دیگر این خروج یکجانبه که حتی مورد تائید متحدان آمریکا نیز نبوده است، نوعی توسل به قدرت و زور تعبیر می‌شود. این بدان معناست که آمریکا با برخورد از قدرت، از آن سو استفاده نموده و به تعهدات بین المللی پشت نموده است (Ranbar and Sori, 2020:1181).

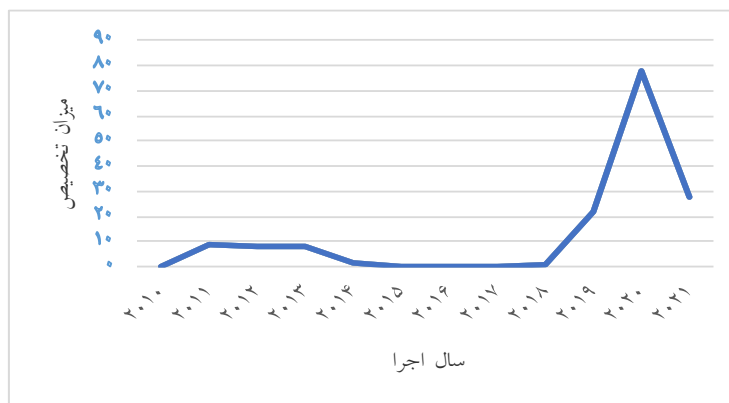
۳. تحریم‌های ثانویه ایالات متحده علیه ایران: قبل و بعد از برجام

لایحه جامع تحریم‌ها، پاسخگویی ایران و عدم سرمایه‌گذاری در سال ۲۰۱۰، نقطه عطف مهمی در رژیم تحریم‌های ثانویه علیه ایران بود؛ زیرا دامنه فعالیت‌های مرتبط با انرژی (که مشمول تحریم‌های ثانویه بودند) را گسترش داد، بانک‌های آمریکایی از فعالیت و افتتاح حساب در ایران منع شدند، بانک‌های ایرانی که با سپاه پاسداران معاملات مالی داشتند در لیست تحریم‌های ثانویه قرار گرفتند. اولین استفاده از تحریم‌های ثانویه در سال ۲۰۱۱ روی هفت شرکت از جمله *Petroleos de Venezuela S.A* و نزنولا برای فعالیت‌های ممنوعه در بخش انرژی ایران رخ داد. علاوه بر این، دولت اوپاما تحریم‌های ثانویه را بر ۲۵ شرکت درگیر در معاملات با شرکت‌های انرژی و پتروشیمی، کشتی‌رانی و بانکی ایران اعمال کرد (Bartlett and Ophel, 2022: 10).

در سال ۲۰۱۲، تولید ناخالص داخلی ایران به ۵۹۸.۸۷ میلیارد دلار رسید. با ورود تحریم‌های ثانویه، اقتصاد ایران رکود خود را آغاز کرد. تا سال ۲۰۱۳، انزوای مالی ایران و کاهش درآمد نفتی، اقتصاد آن را تضعیف کرد و منجر به کاهش بی‌سابقه ارزش ریال شد که افزایش نرخ بیکاری و کمبود مواد غذایی و ضربه به صنایع مهم‌ترین پیامدهای آن بودند. این کاهش ارزش ریال با کاهش درآمدهای نفتی ایران همراه بود که موجب ایجاد رکود تورمی در بازار شد. مشاغل خارجی از انجام هرگونه معامله با ایران بیم

داشتند و عواقب شدیدی متوجه بخش تولیدی شد. صنعت خودروسازی ایران، بزرگ‌ترین بخش تولیدی ایران مجبور شد ۲۳ درصد تولید خود را کاهش دهد. وزیر نفت ایران در سال ۲۰۱۱ اعلام کرد ایران به ۳۰۰ میلیارد دلار برای مقابله با کاهش نرخ تولید میدان‌های نفتی نیاز دارد اما سرمایه‌گذاران به دلیل ترس از تحریم‌های ایالات متحده از سرمایه‌گذاری امتناع می‌کردند. برآوردها زیان‌های سرمایه‌گذاری ایران در بخش انرژی را نزدیک به ۵۰ میلیارد دلار نشان می‌دهد. اثرات این تحریم‌ها در بخش بهداشت، مواد غذایی، آموزش و ... نیز احساس شد (Gheibi, 2022: 408-411). با این حال، با تصویب برجام در سال ۲۰۱۵، ایالات متحده اکثر تحریم‌های ثانویه علیه ایران را لغو کرد و هیچ تحریم ثانویه دیگری را برای باقیمانده دولت اوباما علیه تهران اعمال نکرد که به افراد غیرآمریکایی اجازه می‌داد تا فعالیت‌های اقتصادی خاصی را با شرکای ایرانی خود بدون ترس از تحریم‌های آمریکا از سر بگیرند (Bartlett and Ophel, 2022: 10). پس از لغو تحریم‌ها، ادغام مجدد ایران تقریباً بلافاصله آغاز شد. در سال ۲۰۱۶، صادرات نفت ایران از ۲۸ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۱۵ به ۳/۱ میلیون بشکه در روز افزایش یافت و بسیاری از سرمایه‌گذاران و شرکت‌های بزرگ اروپایی وارد ایران شدند (Gheibi, 2022: 421).

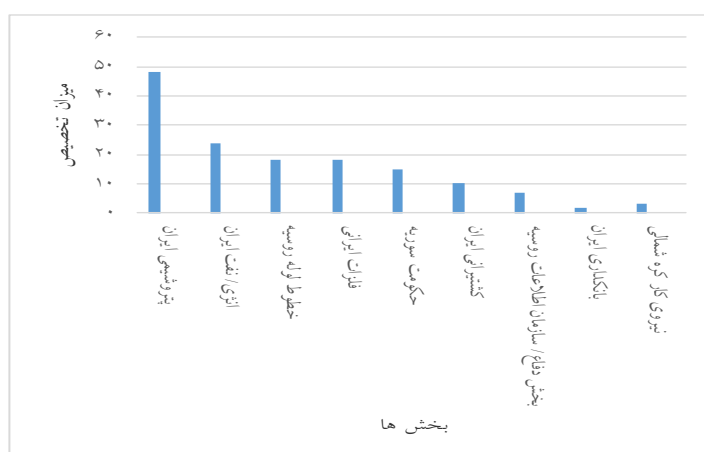
نمودار (۱): اجرای تحریم‌های ثانویه از ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۱



منبع: (Bartlett and Ophel, 2022: 4)

با انعقاد برجام، بسیاری امیدوار بودند که برنامه جامع اقدام مشترک بتواند یک مکانیزم مؤثر برای حل برنامه‌های هسته‌ای در موارد آینده مانند حل و فصل وضعیت برنامه هسته‌ای کره شمالی باشد؛ اما خروج ایالات متحده از برنامه جامع، ضربه جدی به سال‌ها کار در زمینه حل و فصل اختلاف در مورد برنامه هسته‌ای ایران و ادغام مجدد ایران در جامعه جهانی تحت شرایط منافع دو طرف بود (Lsaev, 2018). در ۵ نوامبر ۲۰۱۸، ایالات متحده تحریم‌های کامل علیه ایران را که براساس برجام برداشته شده یا لغو شد، دوباره تحریم اعمال کرد. این سخت‌ترین مجازات‌های تحریمی ایالات متحده است که تاکنون به ایران تحمیل شده است و بخش‌های مهم اقتصاد ایران مانند انرژی، کشتیرانی و کشتی‌سازی و بخش‌های اقتصادی را هدف قرار داده است (U.S. Department of the Treasury, 2018: 7).

نمودار (۲): اجرای تحریم‌های ثانویه بر اساس بخش از ۲۰۱۰-۲۰۲۱



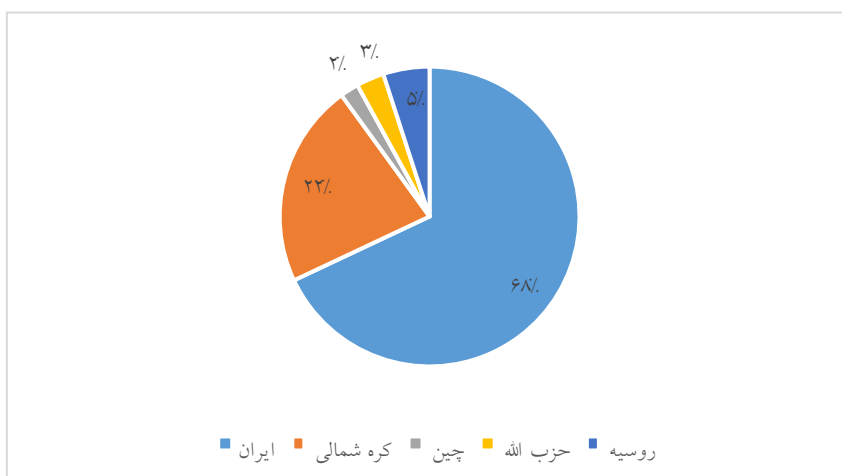
منبع: (Bartlett and Ophel, 2022: 5)

دولت ایالات متحده اغلب تحریم‌های ثانویه را علیه بازیگران فعال در بخش‌های انرژی، نفت و پتروشیمی ایران اعمال کرده است. این نشان‌دهنده ماهیت یک‌جانبه تحریم‌های ایالات متحده علیه ایران و ادامه ارزش این محصولات برای اقتصاد جهانی است

(Bartlett and Ophel, 2022: 6). زمانی که تحریم‌های آمریکا توسط ترامپ در ماه می ۲۰۱۸ اعلام شد، حدود ۱۰۰ شرکت خارجی، ایران را ترک کردند، از جمله شرکت‌های عمده مانند شل^۱، فولکس‌واگن^۲، دایملر^۳، پژو^۴، ایرباس^۵، توتال^۶، زیمنس^۷ و شرکت روسی لوک اویل^۸. حدود ۲۰ کشور در حال حاضر از خرید نفت ایران خودداری کردند. فهرست تحریم‌ها شامل بیش از ۷۰۰ نفر از اشخاص حقوقی، انجمن‌ها و سازمان‌هایی است که شهروندان ایالات متحده از انجام معاملات با آن‌ها ممنوع هستند. پرداخت‌های بانکی مربوط به افراد ذکر شده در لیستی که از طریق بانک‌هایی که از نظر حقوقی در اختیار ایالات متحده قرار دارند را می‌توان بلوکه کرد و در حساب‌های ویژه خزانه‌داری ایالات متحده ثبت نمود. تحریم‌های دونالد ترامپ شامل ممنوعیت خرید نفت ایران، بیمه تانکرهای نفتی ایران، اخراج بانک‌های ایران از سیستم بانکی بین‌المللی سوئیفت و همچنین اقدامات تحریم علیه افراد و اشخاص حقوقی کشورهای ثالثی است که اقدام‌های ایالات متحده علیه ایران را نقض می‌کنند، است. هدف ترامپ این بود که صادرات نفت ایران را به صفر برساند که البته، غیرواقعی است. دولت ایالات متحده، با درک این موضوع، ۸ کشور از میان بزرگ‌ترین خریداران نفت ایران (چین، هند، تایوان، ژاپن، کره جنوبی، ایتالیا، یونان و ترکیه) را به مدت شش ماه معافیت داد که طی آن می‌توانند نفت ایران را بدون جریمه از سوی ایالات متحده وارد کنند، ولی آن‌ها باید به تدریج حجم آن را کاهش دهند. پمپئو تأکید کرد که ۱۰۰ درصد از درآمد حاصله از فروش نفت ایران در حساب‌های خارجی محفوظ خواهد بود. ایران می‌تواند از این پول تنها در جریان تجارت کالاهای انسانی یا در تجارت دوجانبه کالایی که تحت تحریم قرار نمی‌گیرند استفاده کند (Sagin, 2018: 2-6). از میان بیش از ۲۰۰۰ تبعه ویژه تعیین شده برای تحریم‌های ثانویه توسط وزارت خزانه‌داری، اکثریت قریب به اتفاق (۶۸ درصد) مرتبط با ایران هستند (Bartlett and Ophel, 2022: 13).

1. Shell
2. Volkswagen
3. Daimler-Benz
4. Peugeot
5. Airbus
6. Total
7. Siemens
8. Lukoil

نمودار (۳): اتباع ویژه تعیین شده ((SDN مشمول تحریم‌های ثانویه بر اساس وابستگی



منبع: (Bartlett and Ophel, 2022: 2)

آمار و ارقام فوق نشان می‌دهد که تحریم‌های ثانویه از سال ۲۰۱۰ بطور مشخص علیه ایران به کار گرفته شدند و هر سال افزایش می‌یافت. با انعقاد برجام در سال ۲۰۱۵ به تدریج تحریم‌های ثانویه تعلیق شدند اما با خروج یکجانبه آمریکا از برجام شاهد بازگشت و نیز تشدید تحریم‌های ثانویه به مراتب بیشتر از گذشته و تا قبل از برجام هستیم.

۴. رویکرد اتحادیه اروپا در قبال تحریم‌های ثانویه ایالات متحده علیه ایران

از سال ۲۰۰۶، اتحادیه اروپا ضمن تحمیل مجازات‌های خودمختار، تمام تحریم‌های سازمان ملل را اجرا و تقویت کرد. علاوه بر اعمال تحریم‌های سازمان ملل، اتحادیه اروپا

طیف گسترده‌ای از تحریم‌های اقتصادی و مالی خودمختار را در طول یک دهه گذشته علیه ایران وضع کرده است، از جمله:

- محدودیت در تجارت کالا: ممنوعیت صادرات اسلحه به ایران، یا دارایی‌هایی که می‌توانند در فعالیت‌های مربوط به غنی‌سازی استفاده شوند، ممنوعیت واردات نفت خام، گاز طبیعی، پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی.
- محدودیت در بخش مالی: ایجاد محدودیت در فعالیت‌های بانک مرکزی ایران و بانک‌های اصلی تجاری ایران، ایجاد مکانیسم‌های ابلاغیه و مجوز برای انتقال وجوه بالاتر از مقادیر مشخص به مؤسسات مالی ایران.
- اقدامات در بخش حمل‌ونقل: ممانعت از دسترسی به فرودگاه‌های اتحادیه اروپا برای پروازهای باری ایران، ممنوعیت نگهداری و سرویس هواپیماهای محموله ایرانی یا کشتی‌های حمل کالا یا مواد ممنوع (2-1: 2018, Eyes on Europe). زمانی که آمریکا مهابی تحمیل تحریم‌های ثانویه علیه شرکت‌ها شد، کشورهای اروپایی در همراهی با سیاست خارجی آمریکا و علیه ایران به صف شدند. در فاصله زمانی ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۲ میلادی، اتحادیه اروپا و آمریکا، فلج‌کننده‌ترین تحریم‌ها را علیه بخش انرژی ایران اعمال کردند. آنان تضادی در موضوع نداشتند؛ زیرا عمدتاً از سیاست تحریمی مشابهی بهره‌مند می‌شدند. برای نمونه، کنگره آمریکا در سال ۲۰۱۲، قانونی را برای قطع ارتباط بانک‌های ایرانی با سوئیفت تصویب نمود. به‌منظور نمایش موضع واحد با آمریکا، اتحادیه اروپا در فاصله زمانی کوتاهی مقررات مشابهی وضع نمود (4: 2018, Perthes).

ماهیت فراسرزیمینی تحریم‌های ثانویه همواره انتقادات متحدان اروپایی را برانگیخته است که پس از خروج ایالات متحده از برجام، زمانی که سیاست‌های تحریمی اتحادیه اروپا و ایالات متحده علیه ایران به شدت متفاوت گشت، آشکار شد. ماهیت فراسرزیمینی برنامه تحریم‌های ثانویه ایالات متحده همچنان در اروپا بحث‌برانگیز است (Bartlett and Ophel, 2022: 11). در واکنش به خروج ایالات متحده از توافق هسته‌ای ایران و اعمال مجدد تحریم‌های اقتصادی علیه ایران، موضع اروپا ادامه تعامل با ایران بود ته رویارویی.

از این رو مقررات مسدودسازی و اینستکس^۱ را به منظور مقابله با تصمیم آمریکا به کار گرفت. اینستکس تنها بر تجارت بشردوستانه متمرکز است، به عبارت دیگر، کالاهایی که مشمول تحریم‌های آمریکا نیستند. از آنجایی که بانک‌ها دروازه‌بان تجارت کالاهای غیرمجاز با ایران هستند، اینستکس قصد دارد از معاملات مستقیم بین اروپا و ایران اجتناب کند و به‌عنوان شخص ثالثی عمل می‌کند که پرداخت‌ها را نگه می‌دارد و آن‌ها را دوباره توزیع می‌کند. از زمان خروج ایالات متحده از برجام، بانک‌های اروپایی تمایلی به پردازش تراکنش ندارند، زیرا از تحریم‌های غیرمنطقی و بدون دلیل آمریکا می‌ترسند. کشورهای اروپایی تلاش‌های گسترده‌ای را برای متقاعد کردن بانک‌ها مبنی بر امن بودن تجارت با ایران انجام داده‌اند. با این حال، آن‌ها قادر به ارائه تضمین‌های لازم به بانک‌ها برای محافظت از آن‌ها در برابر اقدامات تلافی‌جویانه احتمالی ایالات متحده نیستند. از سوی دیگر مقامات E3 اذعان کردند که اینستکس تنها تلاشی برای زنده نگه‌داشتن برجام بود. همان‌طور که آریش^۲، یکی از دیپلمات‌های اروپایی به رویترز گفت: «اینستکس شرایط را به‌طور چشمگیری تغییر نخواهد داد، اما این پیام مهمی برای ایران است که نشان دهد ما مصمم به حفظ برجام هستیم.»^۱ براساس برآورد تجارت‌ها، دستاوردهای اینستکس تا به امروز صفر است. علیرغم اعلام فدریکا موگرینی - نماینده عالی اتحادیه در امور خارجی و سیاست امنیتی در آن زمان - در اواخر ژوئن ۲۰۱۹ مبنی بر اینکه اینستکس «عملیاتی شده و در حال پردازش اولین تراکنش‌ها است»، اما هیچ‌یک از این تراکنش‌ها تکمیل نشده است. این بیانیه صرفاً به این معنی بود که با خریداران و فروشندگان هر دو طرف تماس گرفته شده و از طریق این مکانیسم ابراز علاقه کرده‌اند. در طول مصاحبه، نماینده اتحادیه اروپا اعتراف کرد که اتحادیه هنوز نمی‌داند اولین معاملات چه زمانی تکمیل می‌شوند (Aftalion, 2019: 4-5).

سیاست دیگر اتحادیه اروپا در واکنش به خروج آمریکا از برجام، گسترش مقررات مسدودسازی بود. این اساسنامه در ابتدا در سال ۱۹۹۶ برای مقابله با تحریم‌های آمریکا علیه کوبا، ایران و لیبی تصویب شد؛ اما پس از یادداشت تفاهمی که بین اتحادیه اروپا و ایالات متحده منعقد شد، به‌ندرت توسط مقامات کشورهای عضو اتحادیه اروپا اجرا شد.

^۱. INSTEX

^۲. Irish

با این حال، در ۷ آگوست ۲۰۱۸، اتحادیه اروپا در واکنش به خروج ایالات متحده از برنامه جامع اقدام مشترک و اعمال مجدد تحریم‌های آمریکا علیه ایران، ضمیمه این اساسنامه را اصلاح کرد. این اصلاح، دامنه گسترده‌تر قانون مسدودکننده اتحادیه اروپا برای مقابله با تحریم‌های اولیه و ثانویه مجدد ایالات متحده علیه ایران بود که براساس آن افراد اتحادیه اروپا را از پیروی مستقیم یا غیرمستقیم از برخی تحریم‌های ایالات متحده که در ضمیمه آن فهرست شده است، منع می‌کند؛ اما ابهام در اساسنامه و رویکردهای متفاوت کشورهای عضو اتحادیه اروپا و همچنین بریتانیا در رابطه با به رسمیت شناختن تحریم‌های ثانویه ایالات متحده باعث شده شرکت‌ها و بانک‌های اروپایی بین دو رژیم متضاد گرفتار شوند (Fisch and et al., 2022: 1-4). از سوی دیگر، با توجه به وضعیت سیال مذاکرات هسته‌ای ایران، پیچیدگی‌های ناشی از مقررات انسداد اتحادیه اروپا ممکن است به‌طور موقت از بین برود (Bie and et al., 2022: 1).

۵. تحلیل یافته‌ها

تحریم‌های ثانویه به علت سیاست فشار سیاسی حداکثری و تهاجم اقتصادی دولت ترامپ علیه جمهوری اسلامی ایران به چالشی اساسی برای اتحادیه اروپا تبدیل شد. آسیب‌پذیری اروپا عمدتاً ناشی از وابستگی نامتقارن به اقتصاد آمریکا به علت حجم بازار آمریکا و نقش جهانی دلار می‌باشد. خروج دولت ترامپ از برنامه جامع اقدام مشترک و اعمال تحریم‌ها، منافع کشورهای اروپایی در بخش عدم اشاعه هسته‌ای را خدشه‌دار نموده و توانایی محدود آنان جهت اجرای راهبرد مستقل در قبال ایران را کاهش داده است. پایتخت‌های کشورهای اروپایی به این حقیقت رسیدند که به‌واسطه تحریم‌های ثانویه، واشنگتن می‌تواند، عامل دسترسی به بازار آمریکا را به‌عنوان یک منبع قدرت سیاسی علیه آن‌ها بکار گیرد. از آنجائی که آمریکا یکی از بزرگ‌ترین شرکای تجاری و مالی اروپا می‌باشد، به‌سختی می‌توان یک تجارت اروپایی را یافت که به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم با بازارها و سیستم‌های آمریکائی مرتبط نباشد. با توجه به قدرت نفوذ زیاد برای دسترسی به بازیگران اروپا و قطع ارتباط آن‌ها با بازار آمریکا، اداره خزانه‌داری آمریکا در مواقع اختلاف سیاسی اروپا و آمریکا، به‌عنوان نیروی غالب و برتر عمل می‌کند. لذا تنها تهدید به تحریم‌های ثانویه علیه نهادهای اروپایی، به خروج شرکت‌های

اروپائی از ایران و نادیده انگاشتن توافق هسته‌ای انجامید، توافقی که به‌عنوان دستاورد سیاست خارجی اروپا مطرح می‌باشد. درحالی‌که دولت‌های قبلی آمریکا نیز تحریم‌های ثانویه را بکار بستند، ولی شیوه استفاده دولت ترامپ از آن‌ها، معضلات بی‌سابقه‌ای را برای اروپا به وجود آورد. اتحادیه اروپا و اعضای آن، علی‌رغم شتاب برای یافتن اقدامات متقابل با هدف محدود ساختن اثرات تحریم‌ها بر منافع تجاری و راهبردی خود (اینستکس و قانون مسدودسازی)، قادر به تغییر مواضع واشنگتن نشدند. آنان همچنین توفیقی در بازداشتن شرکت‌های اروپائی در هم‌داستانی و تبعیت کامل از تحریم‌های ثانویه آمریکا، کسب نکردند. هنری فارل^۱ و ابراهام نیومن^۲، از اندیشمندان علوم سیاسی، معتقدند جهانی‌شدن ناشی از وابستگی متقابل، به سمت کاهش اثرگذاری راهبردهای قهرآمیز میل می‌کند. به عقیده آنان، ساختارهای شبکه‌ای نامتقارن، نظیر نهادهای مالی بین‌المللی آمریکائی، عامل وابستگی متقابل را به‌عنوان سلاحی برای وادار ساختن کشورها به دنباله‌روی مورد استفاده قرار می‌دهند. بر همین قاعده، آمریکا با توجه به سلطه خود بر شبکه‌های اقتصاد جهانی، از وابستگی نامتقارن در تجارت با اروپا به‌عنوان سلاحی برای تحمیل راهبرد خود استفاده کرده است (۱۳۹۸، معاونت دیپلماسی اقتصادی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران) (Perthes, 2018: 5-8). تهران اطمینان داشت که اراده سیاسی اروپا می‌تواند کارهای بیشتری برای افزایش تجارت با ایران انجام دهد که در طی سال ۲۰۱۸ فروپاشیده است. موج تحریم‌های ثانویه ایالات‌متحده تقریباً همه مشاغل بزرگ اروپایی از جمله بانک‌ها را از تجارت با ایران بازداشته است (Wintour, 2019: 9).

ابهام در کارکرد تحریم‌های ثانویه نیز در تقویت اثرگذاری آن مؤثر بود. عدم شفافیت در خصوص چگونگی تفسیر اقدامات و چگونگی اجرا تا حدود زیادی به تبعیت تام و تمام شرکت‌ها و بانک‌های اروپائی منجر شد که ترجیح دادند به قطع ارتباط با ایران اقدام نمایند و از ریسک غلتیدن در چارچوب تحریم‌ها بپرهیزند. اوفک نیز به‌کندی و ناقص به تلاش‌های دول اروپائی باهدف شفاف‌سازی موضوعات پاسخ می‌دهد که بسیاری از مفسرین این الگوی رفتاری را عمدی تلقی می‌کنند، زیرا بر تأثیر اقدامات آمریکا

^۱. Henry Farrell

^۲. Abraham L. Newman

می‌افزاید. در همین رابطه، برخورد دولت ترامپ در اعطای معافیت‌های محدود و موقت برای خرید نفت ایران، تنها به دامنه اقدامات غیرقابل پیش‌بینی‌ها آن‌ها می‌افزاید. هزینه تحریم‌های آمریکا بر برخی از شرکت‌های اروپایی عبارت‌اند از:

۱. خسارت شرکت زیمنس ناشی از لغو قرارداد راه‌آهن با ایران (۵ میلیارد دلار)
۲. خسارت شرکت توتال ناشی از لغو قرارداد میدان گازی پارس جنوبی (۲ میلیارد دلار)
۳. خسارت شرکت ایرباس ناشی از لغو قرارداد با ایران ایر (۱۹ میلیارد دلار)
۴. خسارت گروه^۱ PSA، پژو سیتروئن، ناشی از لغو قراردادهای فروش خودرو (۴۴۰ میلیون دلار)
۵. خسارت شرکت کوئیکوس^۲ ناشی از لغو قرارداد پروژه نیروگاه خورشیدی (۵۵۰ میلیون یورو)

مقامات آمریکا ابراز عقیده کرده بودند که آن‌ها می‌توانند تحریم‌های ثانویه اعمال شده توسط دولت ترامپ در نوامبر ۲۰۱۸ را به صورت گسترده‌ای تشدید نمایند. جان بولتون^۳، مشاور امنیت ملی سابق گفته است، احتمال دارد که آمریکا شرکت‌های اروپایی را با اقداماتی هدف قرار دهد. شرکت‌های اروپایی این تهدیدات را بسیار جدی تلقی کرده‌اند. آمریکا، در مواقع اندکی، نهادهای اروپایی را به لیست سیاه خود اضافه کرده‌اند که منجر به توقیف دارایی و قطع ارتباط آن‌ها با بازارهای مالی شده است. برای مثال، اقدام دولت ترامپ به افزودن نام بانک پارسیان، یک شرکت خصوصی و مشهور ایرانی، به لیست سیاه به اتهام ارتباط با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، خیلی‌ها را در اروپا شگفت‌زده کرد. بانک‌های اروپایی نیز به تبع اقدام آمریکا، مجبور به قطع ارتباط با این بانک شدند. براساس آنچه گذشت، آمریکا در آینده می‌تواند، هر نهاد اروپایی، از جمله بانک مرکزی و سوئیفت را به فهرست سیاه خود اضافه نماید (Deputy of Economic Diplomacy of (the Ministry of Foreign Affairs of the Islamic Republic of Iran, 2018: 10). کورنلیوس آدبار^۴، در مقاله خود با عنوان «اروپا نمی‌تواند توافق ایران را نجات دهد، اما

¹. Groupe PSA

². Quercus

³. John Bolton

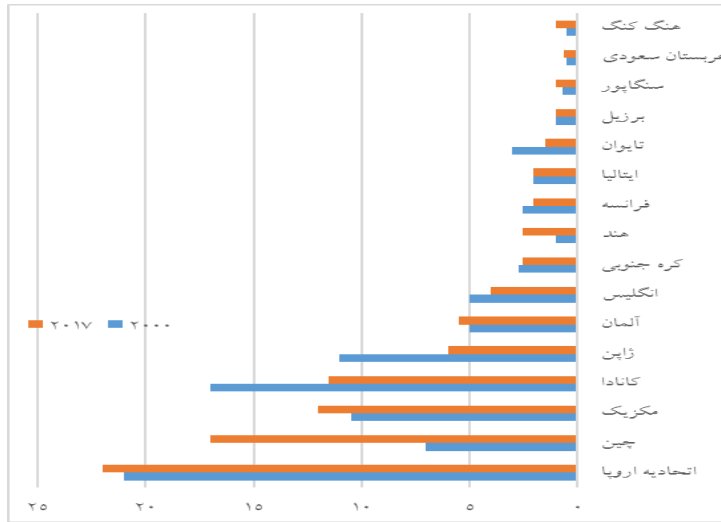
⁴. Cornelius Adebahr



باید تلاش کند»، اظهار داشت که اروپا نه قدرت سیاسی برای دفاع از توافق را دارد و نه می‌تواند نقش را به‌عنوان یک پل بین تهران و واشنگتن بر عهده بگیرد. درعین‌حال و باوجود تأثیر اقتصادی، اتحادیه اروپا قادر به تحمل فشارهای ایالات‌متحده نیست، حداقل در کوتاه‌مدت. بااین‌وجود، در طولانی‌مدت ممکن است یک بازیگر اصلی باشد و کانال‌های پرداخت جایگزین را که مشمول مجازات‌های ایالات‌متحده نیستند، ایجاد کند؛ اما هر معامله دلاری و دستیابی به‌نوعی استقلال مالی را غیرممکن می‌داند. به گفته این کارشناس، موضع فعلی اتحادیه اروپا بسیار مهم است زیرا نه قدرت سیاسی برای تأثیرگذاری بر سیاست ایالات‌متحده و نه نیروی اقتصادی برای اطمینان به تهران دارد. تنها نقشی که می‌تواند داشته باشد، کاهش سرعت فروپاشی احتمالی توافق هسته‌ای تا حد ممکن است (Eyes on Europe, 2018: 5).

باوجود اظهارات رهبران اروپایی و آسیایی در حمایت از ایران، به نظر می‌رسد وزن اقتصادی آمریکا برای نادیده گرفتن برجام بسیار بیشتر است. شرکت‌های تجاری از انواع مختلف، از شرکت‌های بیمه و تولیدکنندگان خودرو گرفته تا شرکت‌های حمل‌ونقل، اعلام می‌کنند که به دلیل تحریم‌های ایالات‌متحده، تجارت با ایران را متوقف می‌کنند. تحریم‌های ثانویه درنهایت ادامه فعالیت شرکت‌های اتحادیه اروپا به بازار ایالات‌متحده را به خطر می‌اندازد. این امر شرکت‌ها را وادار می‌کند بین دسترسی به بازار ایران و بازار ایالات‌متحده - ۴۵ برابر اندازه ایران - یکی را انتخاب کنند. به‌طور منطقی، تعداد زیادی از شرکت‌ها قبلاً قصد خود را برای ترک ایران اعلام کرده‌اند تا خطر دسترسی به بازار آمریکا را به خطر نیندازد (Lowy Institute, 2018: 3).

نمودار (۴): مقاصد برتر واردات کالا و خدمات آمریکا در ۲۰۱۷-۲۰۰۰



منبع: (Schwarzenberg, 2018: 3).

نمودار (۵): مقاصد برتر صادرات کالا و خدمات آمریکا در ۲۰۱۷-۲۰۰۰



منبع: (Schwarzenberg, 2018: 4).

- دو نمودار فوق به خوبی میزان وابستگی و درهم تنیدگی اقتصادی اتحادیه اروپا و آمریکا در میزان واردات و صادرات آن‌ها را نشان می‌دهد. همین واقعیت نیز اروپا را به سمت همگرایی با ایالات متحده حداقل در مسائلی اساسی بین الملل سوق می‌دهد.
- مهم‌ترین دستورالعمل‌های اوفک پس از خروج ایالات متحده از برجام عبارت‌اند از:
- حدود ۷۰۰ نهاد از جمله ۲۵۰ نهادی که در زمان انعقاد برجام از لیست تحریم‌ها خارج شده بودند، مجدداً در این لیست قرار گرفتند؛
 - بیش از ۵۰ بانک جدید وابسته به ایران، ۴۰۰ هدف دیگر از جمله ۲۰۰ هدف در بخش انرژی و کشتیرانی در لیست تحریم‌های ثانویه قرار گرفتند؛
 - طبق مجوز عمومی H از سوی ایالات متحده برخی از شرکت‌های آمریکایی اجازه تجارت در موارد خاصی با ایران را داشتند اما پس از خروج آمریکا از برجام این مجوز لغو شد و شرکت‌های آمریکایی به‌طور کامل از معامله با ایران منع شدند؛
 - شرکت‌های آمریکایی و غیرآمریکایی قبل از هرگونه تجارت با ایران باید بررسی کنند که بخش موردنظر در فهرست SDN قرار دارد یا خیر و در صورت قرار داشتن در این فهرست با مجازات روبرو می‌شوند؛
 - تحریم‌های جدید بخش کشتیرانی و بنادر نیز شامل: قرار گرفتن ۶۵ شرکت و افراد مرتبط با کشتیرانی ایران، ۵۲ کشتی دیگر، شرکت ملی نفت کش ایران در لیست تحریم‌های ثانویه؛
 - شرکت‌ها مجاز به صادرات کالاهای کشاورزی، غذا، دارو و تجهیزات پزشکی با منشأ غیرآمریکایی به ایران هستند تا زمانی که این معاملات شامل هیچ‌گونه از لیست تحریم‌های تعیین‌شده برای تروریسم، تکثیر سلاح‌های کشتار جمعی یا مرتبط با سپاه پاسداران نباشند (کمک‌های بشردوستانه) (Greenberg and Krischik, 2018: 1-3). متعاقب اعلام این دستورالعمل‌ها از سوی اوفک برخی از شرکت‌های بزرگ که غالباً اروپایی هستند، خروج یا برنامه خروج از ایران را اعلام کرده‌اند عبارت‌اند از:

- توتال: شرکت نفت فرانسوی، توتال، اعلام کرد که نمی‌تواند از ایالات متحده چشم‌پوشی کند و از معامله دو میلیارد دلاری که هم با ایران و هم با شرکت چینی شرکت ملی نفت چین^۱ انجام داد، خارج خواهد شد. این مشارکت برای توسعه میدان گازی طبیعی پارس جنوبی ۱۱ در ایران بود. توتال تنها شرکت بزرگ بین‌المللی نفتی است که از زمان پایان تحریم‌های قدیمی در ژانویه سال ۲۰۱۶ با ایران امضا کرد.
- میرسک^۲: این شرکت حمل‌ونقل اعلام کرد که به دلیل تحریم‌های ایالات متحده، دیگر نفت ایران را ارسال نمی‌کند. در بیانیه مدیرعامل، این شرکت واضح بود که تجارت خود را با آمریکا بر سر کسب‌وکار در ایران در اولویت قرار داده است.
- پترو: این تولیدکننده اتومبیل، متعلق به PSA Group، اعلام کرد که قصد دارد از ایران خارج شود مگر اینکه چشم‌پوشی تحریم‌ها حاصل شود.
- جنرال الکتریک: جنرال الکتریک و شرکت تابعه آن، بیکر هیوز، از سال ۲۰۱۶ معامله تقریباً ۲۵ میلیون دلاری را از قراردادهای خود با ایران ساخته بود. این دو نیز طبق قانون آمریکا عملیات خود را در ایران متوقف می‌کنند. مجوزهای تجاری که این شرکت تحت آن فعالیت می‌کرد، در ماه نوامبر ۲۰۱۸ ابطال شد.
- هانیول^۳: هانیول بین‌المللی، یک شرکت فناوری که طبق گفته وال‌استریت ژورنال از سال ۲۰۱۶ بیش از ۱۱۰ میلیون دلار درآمد از ایران داشته است. به‌تازگی اعلام کرد که شرکت خود را از کشور خارج می‌کند. اخیراً، یک شرکت تابعه هانیول برای ارتقاء فناوری نظارت و کنترل در شرکت پتروشیمی تبریز، قراردادی را به دست آورد که قیمتی بالغ بر ۲۰ میلیارد دلار برای هواپیماها با شرکت هواپیمایی ایران ایر و ایران آسمان داشت، اعلام کرد با توجه به تحریم‌های جدید، هواپیماها را به ایران تحویل نخواهد داد. این شرکت می‌توانست تقاضای چشم‌پوشی از دولت ایالات متحده کند، اما در تاریخ ۶ ژوئن اعلام کرد که به‌جای آن قرارداد را فسخ خواهد کرد.

^۱. CNCP(China National Petroleum Corporation)

^۲. Moller-Maersk

^۳. Honeywell

- لوک اویل: لوک اویل دومین شرکت بزرگ نفت روسیه یکی از «برگزیده‌ها» برای توسعه میادین نفتی در ایران لقب گرفت؛ اما این شرکت در اواخر ماه مه ۲۰۱۸ تصمیم گرفت که دیگر به دلیل تحریم‌های قریب‌الوقوع ایالات متحده، سرمایه‌گذاری مشترک با شرکت‌های نفتی ایران را دنبال نکند (Wald, 2018: 2-6).

براساس آخرین اطلاعات ارائه‌شده توسط دبیر کل کمیسیون اروپا، تجارت بین ایران و کشورهای عضو اتحادیه اروپا در مقایسه با مدت مشابه سال ۲۰۱۸ (۷ ماه نخست سال ۲۰۱۸) که در آن رقم ۱۱.۵۱۴ میلیارد یورو بوده، ۷۳ درصد کاهش یافته است. همچنین صادرات اتحادیه اروپا به ایران در دوره مذکور ۵۱ درصد کاهش یافته است. کشورهای اتحادیه اروپا در این مدت ۲.۶ میلیارد یورو کالا به ایران صادر کردند، درحالی‌که این رقم در هفت ماه اول سال ۲۰۱۸، ۵.۳۴ میلیارد یورو بود. واردات اتحادیه اروپا از ایران در هفت ماه اول سال ۲۰۱۹ نیز در مقایسه با مدت مشابه سال قبل ۹۲ درصد کاهش یافت و به ۴۸۷ میلیون یورو رسید. اتحادیه اروپا در هفت ماه اول سال ۲۰۱۸، ۶.۱۷۴ میلیارد یورو از کالاها را از ایران وارد کرد. افت قابل توجه تجارت اتحادیه اروپا با ایران در سال ۲۰۱۹ و در پی اعمال مجدد تحریم‌های ایالات متحده علیه ایران، نشان می‌دهد که اتحادیه اروپا علیرغم وعده‌های خود نتوانسته از نظر منافع ایران در زمینه توافق هسته‌ای دفاع کند. براساس آژانس آماری اتحادیه اروپا، تجارت بین ایران و اتحادیه اروپا در نیمه اول سال ۲۰۱۹، ۲.۵۶ میلیارد یورو بوده است. این رقم ۷۶ درصد کاهش از ۱۰.۶۷ میلیارد یورو در نیمه اول سال ۲۰۱۸ را نشان می‌دهد (Tehran, 2019: 3-7). اینستکس در حقیقت، سازوکاری برای شرکت‌های اروپایی که از آن استفاده می‌کنند، حمایت قانونی ارائه نمی‌دهد؛ بنابراین اینستکس برای اکثر شرکت‌های اروپایی که مایل به سرمایه‌گذاری در بازار ایران هستند، عملیاتی نمی‌شود که باعث عدم اعتماد ایران به یک اراده سیاسی موجود اروپا می‌شود. واقعیت‌های اقتصادی، ناتوانی بوروکراتیک اتحادیه اروپا را نشان می‌دهد که در ایران به‌عنوان یک پیامد نامطلوب خروج آمریکا از توافق هسته‌ای در ماه مه ۲۰۱۸ تلقی می‌شود (Therme, 2019: 7). به‌طور کلی باید گفت که ایالات متحده و اتحادیه اروپا پیچیده‌ترین و درهم‌تنیده‌ترین اقتصاد جهان را دارند و در تمام حوزه‌های اقتصادی، از انرژی گرفته تا صنعت

خودروسازی، ارتباطات، صادرات، واردات، سرمایه‌گذاری و ... به یکدیگر وابسته‌اند که جدی‌ترین حوزه منافع مشترک دو بازیگر نیز همین بعد اقتصادی است. در سال‌های اخیر، مقامات آمریکایی، بیش از ۲ میلیارد دلار جریمه برای ناقضان تحریم‌های ایران وضع کرده که از جمله آن‌ها، بانک‌های ING^۱، بارکلیز^۲، کردیت سویس^۳، بانک لوید^۴ و ای بی ان آمو^۵ بودند که به خاطر فعالیت‌های مشابه مالی با ایران، جریمه شدند. در این شرایط نیز ایران راه‌هایی برای دور زدن تحریم‌ها در پیش رو دارد که شاید مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: خرید کالای ممنوعه غربی با نام شرکت‌هایی در دیگر کشورها، استفاده از پرچم کشورهای کم نام و نشان، ایجاد سندیکای بیمه‌ای برای پوشش کشتی‌های ایرانی، استفاده از فرودگاه‌ها یا افرادی غیرایرانی برای انتقال کالا به ایران، ایجاد نفوذ در نهادهای سازمان ملل در حد امکان، ایجاد بنگاه‌های خیریه و خرید کالا تحت پوشش این بنگاه‌ها، ایجاد دادوستد با بانک‌های خارجی که ارتباطی با آمریکا ندارند، استفاده از آدم‌ها یا نهادهای بانفوذ در بازارهای نوظهور، ذخیره‌سازی و فروش نفت خام ایران در تأسیسات کشوری ثالث، مبادله پایاپای نفت درازای ارز کشور خریدار، مبادله نفتی با کشورهای انرژی که مالکیت آن‌ها دولتی است، ارائه امکان دسترسی به تجارت پرسود در بازار ایران و آخرین راه مراجعه به نهادهای مالی خصوصی بین‌المللی است (Iranian Diplomacy, 2013: 2-4)؛ اما علی‌رغم تکنیک‌های ایران در دور زدن تحریم‌ها، هزینه تجارت خارجی - واردات و صادرات - افزایش یافته و روند توسعه ایران را با کندی و هزینه زیاد روبرو کرده است که در بلندمدت خسارت‌های غیرقابل‌جبران را شکل داده و در رقابت توسعه با دیگر کشورها عقب‌ماندگی غیرقابل‌جبران روبرو خواهد کرد. وضعیتی که برای شوروی سابق، کوبا و کره شمال و ... در نتیجه تحریم‌های غرب در بلندمدت بروز نمود.

بنابراین می‌توان گفت: شرایط دوقطبی جنگ سرد و نیاز اروپا به آمریکا باعث شد ساختارهای وابستگی اروپا به آمریکا حتی بعد از دوران جنگ سرد باقی بماند و توان و

^۱. International Netherlands Group

^۲. Barclays

^۳. Credit Suisse

^۴. Lloyds Banking Group

^۵. ABN AMRO

قدرت ایالات متحده مانع از بازیگری فعال و مستقل اتحادیه در قلمرو سیاست بین‌الملل شود. این روند نیز در قبال برجام وجود داشت. اروپا همواره سیاست مذاکره در قبال پرونده هسته‌ای ایران را در پیش گرفته است اما به دلیل مخالفت‌های آمریکا و سیاست‌های داخلی ایران هیچ‌یک از توافق‌ها به نتیجه نرسید و تنها زمانی که اراده سیاسی مشترک اتحادیه اروپا و دولت اواما شکل گرفت، در برجام بود که در نتیجه آن مراودات سیاسی- اقتصادی ایران با جهان تا حدودی گسترش یافت؛ اما به محض ورود دولت ترامپ به کاخ سفید و خروج از برجام، سیاست‌های اتحادیه اروپا نیز تحت تأثیر میزان توانایی آمریکا در اعمال تحریم‌های ثانویه قرار گرفت که پس از آن، سطح روابط تجاری- سیاسی به پایین‌ترین سطح ممکن رسید و تحریم‌ها شدت بی‌سابقه‌ای به خود گرفت. این عدم ثبات در رویکرد اتحادیه اروپا به ایران به میزان توانایی آمریکا و عدم استقلال اتحادیه از سیاست‌های کلان آمریکا برمی‌گردد. تحریم‌های اولیه و ثانویه در دوره بایدن نیز ادامه پیدا کرد و این رویکرد تنها زمانی به چالش کشیده خواهد شد که اینستکس به‌طور واقعی فعال و قوانین مسدودسازی نیز اجرایی شوند. این مسئله یک اصل اساسی در سیاست‌های اتحادیه اروپا است که لازم است حکومت و دستگاه دیپلماسی ایران آن را مورد توجه قرار دهد و سیاست‌های مذاکره‌ای خود را با در نظر گرفتن این مهم بازتعریف و سازمان‌دهی کند.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به این سؤال بود که تحریم‌های ثانویه ایالات متحده چه نقشی بر رویکرد اتحادیه اروپا نسبت به برجام دارد؟ برای پاسخگویی به سؤال فوق مباحثی چند مورد بررسی قرار گرفت که در این راستا باید گفت: ایالات متحده و اروپا (البته با ارجحیت ایالات متحده با توجه به سطح توانمندی آن) در رده قدرت‌های بزرگ، دارای تأثیرگذاری بیشتر در مسائل مهم بین‌المللی از جمله پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی هستند. فعالیت هسته‌ای ایران به‌ویژه از سال ۱۳۷۹ مورد توجه و حساسیت غرب قرار گرفت و از سال ۱۳۸۲ که مذاکرات ایران با اروپائیان آغاز شد تا سال‌های اخیر ادامه یافت و نهایتاً منجر به برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) بین ایران و ۱+۵ شد که بر اساس آن دو طرف تعهداتی را نسبت به هم متقبل شدند. در این میان علی‌رغم

پایبندی ایران به تعهدات خود، با روی کار آمدن ترامپ و بدعهدی وی در خروج از برجام؛ طرفین برجام با وضعیت جدیدی روبرو شدند، جمهوری اسلامی که شروط جدید ترامپ را برای ادامه همکاری و دادن امتیازهای جدید به آمریکا نپذیرفته بود، در ابتدای خروج آمریکا از برجام نیم‌نگاهی به دیگر اعضای برجام به‌ویژه کشورهای اروپایی و پایبندی آن‌ها به برجام داشت؛ اما این کشورها علی‌رغم اظهارات اولیه مبنی بر پایبندی به برجام، در عمل و در واقع رفتار دیگری از خود نشان دادند که بر اساس فرضیه پژوهش حاضر متأثر از نقش تحریم‌های ثانویه ایالات متحده می‌باشد. به دنبال خروج آمریکا از برجام و در آگوست ۲۰۱۸ تحریم‌های ثانویه که طبق برجام لغو و یا تعلیق شده بودند مجدداً توسط ایالات متحده ابلاغ شد. در این میان مواجهه اتحادیه اروپا با تحریم‌های ثانویه به چالشی در سیاست خارجی آن تبدیل شد و علاوه بر اینکه وجه این کشورها در پایبندی به معاهدات بین‌المللی را تحت تأثیر قرار می‌داد، از سوی دیگر اروپایی‌ها به این امر واقف بودند که آمریکا به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین شرکای مالی و تجاری آن‌ها، می‌تواند از بازار خود به‌عنوان یک سلاح یا منبع قدرت سیاسی علیه آن‌ها استفاده کند؛ به همین دلیل بود که به دنبال تهدید به تحریم‌های ثانویه علیه نهادهای اروپایی، شاهد خروج شرکت‌های اروپایی از ایران و نادیده گرفتن تعهدات و توافق برجام آن‌ها بودیم. اروپایی‌ها در ابتدا به دنبال اقدامات متقابل با هدف محدود ساختن اثرات تحریم‌ها بر منافع تجاری و راهبردی خود بودند اما قادر به تغییر مواضع واشنگتن نشدند و علی‌رغم اعلام حمایت دولت‌های فرانسه، آلمان و انگلیس از برجام؛ بخش خصوصی اروپا از ترس تحریم‌های آمریکا از ایران خارج شد؛ چراکه اروپا قدرت سیاسی و اقتصادی برای دفاع از توافق هسته‌ای در مقابل ایالات متحده نداشته و آن‌ها بین دسترسی به بازار ایران و دسترسی به بازار آمریکا که عایدی حاصل از آن ۴۵ برابر ایران می‌باشد، دسترسی به بازار آمریکا را ترجیح دادند، بنابراین شرکت‌های توتال، پژو، جنرال الکتریک، هانیول و لوک اوایل از ایران خارج شدند. کاهش ۷۶ درصدی تجارت اروپا با ایران در نیمه اول سال ۲۰۱۹، حاکی از ناتوانی اروپایی‌ها در مقابل آمریکا و عدم پایبندی آن‌ها به تعهدات برجامیشان می‌باشد. بر این اساس اروپایی‌ها نتوانستند در رابطه با برجام و جمهوری اسلامی ایران مستقل عمل کنند. دولت بایدن نیز در این سه سال

براساس سنت «تداوم در سیاست خارجی» ایالات متحده تحریم‌های علیه ایران را ادامه داد. مذاکره‌کنندگان ارشد جمهوری اسلامی نیز باید با توجه به این واقعی پای میز مذاکره قرار بگیرند. در واقع نگاه دیپلمات‌های ایرانی باید از دستاورد نسبی به سمت دستاورد مطلق در این معادله تغییر کند.

منابع

- Aftalion, M (2019). INSTEX, a Game Change, Report of the European Union (EU) Non-Proliferation and Disarmament Consortium.
- Bamri, M (2017). JCPOA and its effect on the economic relations between Iran and the Republic of Iran, Journal of Research of Nations, Volume 1, Issue 30, Pages 43-61.[In Persian]
- Banihashemi, S; Heidarpour, M; kiani, D (2022). The JCPOA and the continuation of the conflicting approaches of the Islamic Republic of Iran and the United States, World Politics A Quarterly Journal, Volume 11, Issue 2, Pages 269-295.[In Persian]
- Bartlett, J; Ophel, M (2022.08.26).. Sanctions by the Numbers: U.S. Secondary Sanctions, Extract date: 2023,06.02, <https://www.cnas.org/publications/reports/sanctions-by-the-numbers-u-s-secondary-sanctions>.
- Bie, E.; Bombach, K; Urlus, H; Hardy, R (2022.10.09). Conflicting EU, US Economic Sanctions Regimes: Implications for Multinational Companies, Extract date: 2023,06.04, <https://www.gtlaw.com/en/insights/2022/2/conflicting-eu-us-economic-sanctions-regimes-implications-for-multinational-companies>
- Council on Foreign Relations, Excerpt: Economic Sanctions and American Diplomacy(2020.08.05). Extract date: 2020.10.16, <https://www.cfr.org/excerpt-economic-sanctions-and-american-diplomacy>
- Deputy of Economic Diplomacy of the Ministry of Foreign Affairs of the Islamic Republic of Iran (2018.05.23). Managing the Challenge of Secondary Sanctions by the European Union, extraction date: 2023.05.13, <https://economic.mfa.ir>. [In Persian]
- Early, B; Preble, K (2018.01.09). Enforcing Economic Sanctions: Analyzing How OFAC Punishes Violators of U.S. Sanctions, SUNY University at Albany, Extract date:2020.08.11, <https://ssrn.com/abstract=3306653>, pp. 1- 50.
- European Union ExternalmAction, (2018.04.15). Iran and the EU, Extract date:2020.11.02, <https://eeas.europa.eu>



- Eyes on Europe (2018.07.12). The Iranian nuclear deal: the challenge of the European Union, Extract date: 2020. 12.03, <https://www.eyes-on-europe.eu>
- Fisch, E; Junck, Ryan D.; Robertson, E; Albrecht, M; Kolke, v; McGoldrick, V (2022.01.27). Navigating the Future Landscape of the EU Blocking Statute, Extract date: 2023,05.25, <https://www.skadden.com/insights/publications/2022/01/navigating-the-future-landscape-of-the-eu-blocking-statute>
- Greenberg, E; Krischik, O (2018.11.08). U.S. Re-imposes Sanctions on Iran Following the U.S. Withdrawal from the JCPOA and the End of the Wind-Down Period, Extract date: 2023,05.05, https://www.gkglaw.com/news_events/544-us-re-imposes-sanctions-iran-following-us-withdrawal-from-jcpoa-and
- Gheibi, P (2022). The Rise and Fall of U.S. Secondary Sanctions: The Iran Outcasting and Re-Outcasting Regime, Georgia Journal of International and Comparative Law, Volume 50, Issue 2, Pages 389-440.
- Iranian Diplomacy, (2013.05.30). 16 ways of Iran to bypass sanctions, extraction date: 30/11/ 11400, <http://www.irdiplomacy.ir/fa/news/1905713/16>. [In Persian]
- Lowy Institute (2018.01.09). European companies driven out of Iran, Extract date:2020.09.08, <https://www.lowyinstitute.org>
- Lsaev, L (2018.08.11). The Middle East after the US`s Withdrawal from the Iran Nuclear Deal, Extract date:2020.08.19, www.ridl.io
- Mesbahi Jahormi, N (2018). Europe's financial measures against secondary US sanctions, Master's thesis, Faculty of Law, Shahid Beheshti University. [In Persian]
- Misai, Q; Religionist, F; Jafari, M; Golestan, M (2016). Media Diplomacy and Nuclear Negotiations of J.A.A, Culture-Communication Studies Quarterly, Volume 18, Issue 38, Pages 133-154. [In Persian]
- Moehr, O (2018.09.25). Secondary Sanctions: A First Glimpse, Extract date:2020.07.23, <https://www.atlanticcouncil.org>
- Omidi, A; Mehdizadeh, R; Mahmoudi Raja, S (2016). Examination and analysis of the application of the scenario-building approach in the future of the foreign relations of the Islamic Republic of Iran (case study of the 11th government and the European Union), Quarterly Journal of Strategic Studies of Public Policy, Volume 6, Issue 20, Pages 36-36 15. [In Persian]
- Osiewicz, P (2018). EU-Iran Relations in the Post-JCPOA Period: Selected Political Aspects, Adam Mickiewicz University, Volume 1, Issue 1, Pages 153-163.
- Perthes, V (2018.02.28). Withdrawing from the nuclear deal is a major blunder – the E-3 must pick up the baton, Extract date:2020.08.18, <http://www.german-times.com>
- Piri, M; Sohrabi, R (2019). U.S. extraterritorial sanctions in relation to Iran and its compatibility with the rules of the World Trade Organization, Public

- Law Studies Quarterly, Volume 50, Issue 4, Pages 1565-1545. [In Persian]
- Posch, W (2009.12.09). The European Union and Iran, Extract date:2020.09.19, <https://www.mei.edu>
- Qamat, J; Pourgoshchi, M (2015). The Consequences of the Nuclear Agreement on the Relations between the Islamic Republic of Iran and the European Union, International Relations Studies Quarterly, Volume 9, Issue 35, Pages 165-188. [In Persian]
- Ranjbar, G; Sori, H(2020). The American wave and its impact on the global security order, Political Sociology, Volume 3, Issue 2, Pages 1166-1185. [In Persian]
- Rezaei Pish Rabat, S (2015). Reflection on the legal achievements of JCPOA, Strategic Studies Quarterly, Volume 1, Issue 2, Pages 83-106. [In Persian]
- Rostami, F; Ahmadiyan, G; Karimi, H (2018). An analysis of the strategic relations between the European Union and the United States, in the light of the Iran nuclear deal; Ahead scenarios, Strategic Policy Research Quarterly, Volume 7, Issue 28, Pages 267-239. [In Persian]
- Rostami, F; Bahramipour, F (2017). Analysis of the trend of political-economic relations between Europe and the Islamic Republic of Iran in the aftermath of the JCPOA, Regional Studies Quarterly, Volume 4, Issue 6, Pages 39-53. [In Persian]
- Ruys, T; Ryngaert, C (2020). Secondary Sanctions: A Weapon out of Control? The International Legality of, and European Responses to, US Secondary Sanctions, Published by Oxford University Press.
- Sagin, V (11/07/2018). Sanctions were imposed against Iran, what now?, extraction date: 10/10/2014, <https://ir.sputniknews.com>. [In Persian]
- Schwarzenberg, A (2018). U.S. Trade with Major Trading Partners, Congressional Research Service.
- Stoll, T; Blockmans, S; Hagemeyer, J; Hartwell, C; Gott, H; Karunska, K; Maurer, A (2020). Extraterritorial sanctions on trade and investments and European responses, European Parliament.
- Sultoon, S; Walker, J (2019). Secondary Sanctions' Implications and the Transatlantic Relationship, Global Business & Economics Program (GBE), Volume 1, Issue 1, Pages 1-15.
- Tehran Times (2019.11.29). Iran-EU trade at €3b in 7 months, Extract date:2020.06.03, <https://www.tehrantimes.com>
- Therme, C (2019.11.07). The rise of tensions between Iran and Europe: the Trump factor, Extract date:2020.09.11, <https://www.iiss.org>
- U.S. Department of the Treasury (2021.03.11). OFAC Consolidated Frequently Asked Questions, Extract date:2021.04.19, <https://home.treasury.gov>
- U.S. Department of the Treasury (2018.12.30). Re-imposition of the sanctions on Iran that had been lifted or waived under the JCPOA, Extract date: 2021.02.19, <https://www.treasury.gov>

Wald, E (2018.07.23). 10 Companies Leaving Iran As Trump's Sanctions Close In, Extract date:2021.10.09, <https://www.forbes.com>
Wintour, P (2018.01.28). UK, Germany and France urg US not to tear up Iran nuclear deal, Extract date:2021.01.29, www.theguardian.com
World Economic Forum (2018.09.20). Do secondary sanctions work?, Extract date:2021,02.19, <https://www.weforum.org>